



Assignability of Letter of Credit Proceeds under the Iranian Legal System

ARTICLE INFO

DOI: [10.48311/clr.2025.116827.82779](https://doi.org/10.48311/clr.2025.116827.82779)

Article Type

Research Article

Authors:

Mohammad Arian



ORCID: <https://orcid.org/0000-0001-5559-4529>

Affiliation:

Assistant Professor in Private Law,
Faculty of Law, Shahid Beheshti
University, Tehran, Iran

Correspondence:

Email: mo_arian@sbu.ac.ir

Article History:

Received: 2025/10/05

Received in Revised form: 2025/11/14

Accepted: 2025/12/16

Abstract

An effective method of trade financing is the assignment of proceeds under a letter of credit, as provided for in Article 39 of the Uniform Customs and Practice for Documentary Credits (UCP 600). Although this article recognizes such a mechanism, it makes its application subject to the governing law of the credit. Where the credit is governed by Iranian law, several questions arise: Is the assignment of proceeds permitted under the Iranian legal system? What is the legal nature of this mechanism? Is the consent of the issuing bank a condition for its validity? According to the findings of this research, the assignment of proceeds can be characterized as a debt purchase agreement (contract of assignment of debt), in which the consent of the issuing bank is not a prerequisite for its validity. Furthermore, the prohibition on the discounting of foreign currency documentary credits contained in the first section of Iran's foreign exchange regulations lacks legal validity, as the Central Bank has acted beyond its statutory authority. This prohibition is also inconsistent with the rules that create rights, the revocation of which requires the approval of the legislature.

Keywords: Letter of Credit Transfer, Assignment of Proceeds, Discount, Debt Purchase Agreement, Trade Finance, Uniform Rules for Documentary Credit (UCP 600)





قابلیت واگذاری عواید اعتبار اسنادی در نظام حقوقی ایران

محمد آراین*

استادیار گروه حقوق تجارت بین‌الملل، مالکیت فکری و فضای مجازی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۳

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳

چکیده

یکی از طرق مؤثر تأمین مالی تجارت، سازوکار واگذاری عواید اعتبار اسنادی است که در ماده ۳۹ یو.سی.پی ۶۰۰ انعکاس یافته است. گرچه این ماده چنین سازوکاری را به رسمیت شناخته است، اما اجرای آن را منوط به قانون حاکم بر اعتبار نموده است. در فرضی که اعتبار تابع قانون ایران باشد، این پرسش‌ها مطرح می‌شود که آیا در نظام حقوقی ایران واگذاری عواید اعتبار مجاز است؟ در چه قالب حقوقی می‌توان آن را توصیف نمود و آیا رضایت بانک گشایش‌کننده شرط صحت آن است؟ طبق یافته‌های پژوهش حاضر، واگذاری عواید در قالب عقد خرید دین قابل توصیف است که در آن رضایت بانک شرط تحقق آن نیست. ضمناً ممنوعیت تنزیل اعتبارات اسنادی ارزی مندرج در بخش اول مقررات ارزی کشور فاقد وجاهت قانونی است، زیرا بانک مرکزی خارج از حدود صلاحیت خود عمل نموده و این ممنوعیت در تضاد با قواعد موجد حق می‌باشد که سلب آن نیازمند مصوبه قوه مقننه است.

واژگان کلیدی: انتقال اعتبار اسنادی، واگذاری عواید اعتبار اسنادی، تنزیل، قرارداد خرید دین، تأمین مالی تجارت، مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP 600)

Email: mo_arian@sbu.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:



کپی‌رایت © ۲۰۲۶، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس (TMU Press). این مقاله به صورت دسترسی آزاد منتشر شده و تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 قرار دارد. بر اساس این مجوز، شما می‌توانید این مطلب را در هر قالب و رسانه‌ای کپی، بازنشر و بازآفرینی کنید و یا آن را ویرایش و بازسازی نمایید، به شرط آنکه نام نویسنده را ذکر کرده و از آن برای مقاصد غیرتجاری استفاده کنید.



۱. سرآغاز

اعتبار اسنادی سازوکاری است دارای ماهیت حقوقی خاص که نه تنها مرسوم‌ترین روش پرداخت در تجارت بین‌الملل است، بلکه ابزار مهمی است که با اتکا بدان می‌توان برای «تأمین مالی تجارت»^۱ از آن بهره برد. یکی از روش‌های تأمین مالی تجارت از طریق اعتبارات اسنادی، سازوکار «واگذاری عواید»^۲ موضوع ماده ۳۹ مقررات متحدالشکل اتاق بازرگانی بین‌المللی (یو.سی.پی. ۶۰۰) است؛ بدین ترتیب که ذی‌نفع اعتبار اسنادی مدت‌دار می‌تواند قبل از سررسید آن، اقدام به واگذاری عواید اعتبار به شخص دیگری نموده و با دریافت مبلغی کمتر از مبلغ اسمی اعتبار (تنزیل)^۳، نقدینگی لازم را برای معامله بعدی خود تأمین نماید. ماده ۳۹ چنین مقرر می‌نماید: «این واقعیت که اعتبار فاقد عنوان قابل انتقال باشد، بر حق ذی‌نفع جهت واگذاری هرگونه عوایدی که ممکن است مطابق مفاد قانون حاکم، به موجب اعتبار مستحق آن باشد، تأثیری نخواهد داشت». گرچه این ماده اصل واگذاری عواید اعتبار اسنادی را به رسمیت شناخته است، ولی این اجرای واگذاری را منوط به مقررات قانون حاکم بر اعتبار اسنادی دانسته است. حال چنانچه فرض شود که قانون حاکم بر اعتبار، قوانین ایران باشد، پرسشی که به ذهن متبادر می‌شود این است که آیا در نظام حقوقی ایران واگذاری عواید اعتبار اسنادی مجاز است؟ در صورت مجاز بودن واگذاری عواید، در چه قالب حقوقی می‌توان آن را توصیف نمود و آیا آن‌طور که ادعا شده، رضایت بانک گشایش‌کننده شرط صحت واگذاری عواید است؟

در نظام حقوقی ایران همانند بسیاری از کشورهای دنیا قانون خاصی در زمینه اعتبارات اسنادی وجود ندارد و به همین خاطر، مقرر قانونی که به‌طور مستقیم مسئله قابلیت واگذاری عواید را مورد حکم قرار داده باشد، وجود ندارد. لذا برای پاسخ به پرسش‌های بالا، ضروری است در گام اول، تفاوت مفاهیم «واگذاری عواید» و «انتقال اعتبار اسنادی»^۴ تبیین شود، زیرا بعضاً مشاهده شده است که در آراء صادره از دادگاه‌های ایران، واگذاری عواید به عنوان انتقال

1. Trade Finance
2. Assignment of Proceeds
3. Discounting
4. Transfer of Credit

اعتبار شناسایی شده و احکام انتقال اعتبار از جمله ضرورت موافقت بانک گشایش‌کننده بر واگذاری عواید مترتب شده است. در گام بعدی لازم است که ماهیت حقوقی سازوکار واگذاری عواید در چهارچوب نظام حقوقی ایران کنکاش شود. در واقع اینکه واگذاری عواید در چه قالب حقوقی قابلیت تعریف داشته باشد، تأثیر قابل توجهی بر قابلیت اعمال آن در نظام حقوقی ایران دارد. در نهایت در پرتو نتایج حاصله، مشروعیت واگذاری عواید اعتبار اسنادی در نظام حقوقی ایران ارزیابی و تحلیل خواهد شد.

۲. تمایز واگذاری عواید از انتقال اعتبار اسنادی

گرچه انتقال اعتبار اسنادی و واگذاری عواید دو روش شناخته شده برای تأمین مالی تجارت از طریق اعتبارات اسنادی هستند، لیکن این دو سازوکار کاملاً متفاوت از یکدیگراند، به نحوی که هرکدام دارای کارآیی و آثار حقوقی متفاوت هستند و تجار متناسب با نیاز خود و شرایط هر معامله به طور خاص از آن‌ها بهره‌مند می‌شوند. برای تمایز دقیق این دو سازوکار، ابتدا ضمن بیان تفاوت لغوی آن‌ها، وجه یا وجوه افتراق سازوکارهای موصوف به منظور بهره‌برداری بهتر در دیگر قسمت‌های پژوهش حاضر بیان خواهد شد؛ سپس در ادامه، دادنامه شعبه دوم دیوان عالی کشور به عنوان یک نمونه بارز از شناسایی اشتباه واگذاری عواید به عنوان انتقال اعتبار اسنادی بررسی خواهد شد.

۲-۱) تفاوت سازوکارهای واگذاری عواید و انتقال اعتبار اسنادی

گرچه مقررات یو.سی.پی. ۶۰۰ در دو ماده مجزا احکام واگذاری عواید و انتقال اعتبار اسنادی را تبیین نموده است، اما مراجعه به مفاد مواد ۳۸ و ۳۹ مقررات مذکور برای شناخت وجه یا وجوه افتراق سازوکارهای مذکور، دستاورد ملموسی به دنبال ندارد، خصوصاً اینکه برخلاف ماده ۳۸ یو.سی.پی. ۶۰۰، ماده ۳۹ درباره واگذاری عواید صرفاً کلی‌گویی نموده و مخاطب را به قانون حاکم بر اعتبار اسنادی احواله داده است (ICC, 2007: 147). از نظر لغوی چنین ادعا شده است که: «... انتقال جابه‌جایی دارایی منفی و واگذاری، جابه‌جایی دارایی مثبت، تلقی



می‌شود» (خوئینی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۶). این نگرش در حوزه حقوق اعتبارات اسنادی مورد تأیید نیست، زیرا در انتقال اعتبار، کلیه حقوق و تعهدات ناشی از اعتبار اسنادی به صورت توأمان از ذی‌نفع اول به ذی‌نفع دوم انتقال می‌یابد، حال آنکه در مکانیزم واگذاری عواید، صرفاً طلب ناشی از اعتبار (نه تعهدات) به دیگری واگذار می‌شود. بر این اساس، در انتقال اعتبار فقط دارایی منفی جابه‌جا نمی‌شود، بلکه دارایی منفی و مثبت توأمان به دیگری انتقال داده می‌شود. با توجه به این مقدمه، در ادامه سعی خواهد شد تا وجوه افتراق واگذاری عواید و انتقال اعتبار اسنادی به طور مختصر تشریح شود:

۲-۱) تفاوت در انتقال حق برداشت یا حق اجرا

مهم‌ترین تفاوت بین سازوکارهای انتقال اعتبار و واگذاری عواید، تفاوت در انتقال «حق اجرا»^۵ یا «حق برداشت»^۶ است. این موضوع تا حدودی در ماده ۳۹ یو.سی.بی ۶۰۰ با این ادبیات تبیین گشته است که: «... این ماده صرفاً مربوط به واگذاری عواید و نه واگذاری حق اجرا ذیل اعتبار اسنادی می‌شود». در واقع حق اجرا و حق برداشت دو روی یک سکه محسوب می‌شوند؛ توضیح اینکه در انتقال عواید، انتقال‌دهنده به طور کامل از رابطه اعتبار اسنادی خارج شده و انتقال‌گیرنده از جمیع جهات جانشین وی می‌شود و حق اجرا (حق ارائه اسناد مطابق با شرایط اعتبار) از آن انتقال‌گیرنده خواهد شد و به تبع آن، حق برداشت وجوه از حساب نیز متعلق به وی می‌گردد؛ به سخن دیگر، در انتقال اعتبار، حق و تکلیف به صورت توأمان به ذی‌نفع ثانویه انتقال داده می‌شود (Murray et al., 2012: 233). برخلاف انتقال اعتبار، در واگذاری عواید، واگذارکننده^۷ (ذی‌نفع) پس از واگذاری از رابطه اعتبار اسنادی خارج نمی‌شود و واگذارشونده^۸ نیز جانشین وی نخواهد شد؛ پس طبیعی است که حق اجرا بر اساس اعتبار اسنادی و به تبع آن حق برداشت به نامبرده انتقال داده نشود، بلکه آنچه صرفاً به وی واگذار می‌شود عواید (طلب) ناشی از اعتبار است که وصول این طلب نیز مشروط است به اینکه واگذارکننده (ذی‌نفع)

5. Right of Performance

6. Right of Drawing

7. Assignor

8. Assignee

اسناد موردنیاز را مطابق با شرایط اعتبار به بانک ارائه دهد تا حق برداشت از حالت مشروط به قطعی تبدیل شده تا واگذارشونده قادر به وصول طلب از بانک گردد (Pawlowic, 1992:16; Dolan, 2012; 10.04[1]; Gao, 2002; 149; Ellinger and Neo, 2010: 297; Todd, 2007: 44; Anchor Centre Partners v. Mercantile Bank, 1991: 34).
بناء نیاسری، ۱۳۹۹: ۶۸۴-۶۹۰؛ خوئینی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۶-۱۵۷).

در پرونده معروف «Singer & Friedlander v. Creditanstalt-Bankverein»^۹، دادگاه تجاری وین اعلام نمود که: «...، ذیل یک اعتبار اسنادی غیرقابل انتقال، ذی‌نفع فقط حق دریافت وجه، نه حق ارائه مدارک را واگذار می‌نماید» (Singer & Friedlander v. Creditanstalt-Bankverein, 1980: 9). همچنین دادگاه در پاسخ به این پرسش که آیا ذی‌نفع می‌تواند حق اجرا را به واگذارشونده اعطاء کند؟ اعلام نمود که: «...، اگر علاوه بر عواید، ذی‌نفع بتواند حق ارائه اسناد مطابق با شرایط اعتبار... را واگذار کند، این امر با ماهیت اعتبار غیرقابل انتقال مغایرت خواهد داشت» (Singer & Friedlander v. Creditanstalt-Bankverein, 1980: 9). نکته حائز اهمیت در تصمیم دادگاه این است که چنانچه به ذی‌نفع اعتبار، اجازه داده شود که در واگذاری عواید حق اجرا را نیز به واگذارشونده انتقال دهد، چنین کاری اساساً واگذاری عواید نیست، بلکه ماهیتاً انتقال اعتبار است و چنین اقدامی در تضاد با اعتبار اسنادی غیرقابل انتقال است که در آن بانک گشاینده انتقال را منع نموده است.

۲-۲-۲) تفاوت در نیاز به موافقت بانک گشایش‌کننده اعتبار

در انتقال اعتبار اسنادی موافقت بانک گشایش‌کننده اعتبار شرط قابلیت انتقال است که این مقوله صریحاً در بند (الف) ماده ۳۸ مقررات یو.سی.پی. ۶۰۰ با این ادبیات درج شده است: «بانک هیچ‌گونه تعهدی به انتقال اعتبار ندارد مگر به ترتیب و حدودی که صریحاً با آن موافقت کرده است». برخلاف انتقال اعتبار، ماده ۳۹ در خصوص اینکه آیا موافقت بانک گشایش‌کننده برای واگذاری عواید ضروری است، سکوت اختیار نموده و آن را به قانون حاکم بر اعتبار

۹. ارجاع به این پرونده به نقل از این منابع می‌باشد (Eberth & Ellinger, 1982: 285-287; King, 2001: 130-131).



احاله کرده است. از نظر حقوقی، در واگذاری عواید قاعده این است که رضایت بانک گشایش‌کننده شرط معتبر بودن واگذاری عواید نیست (Murray et al., 2012: 232)، مگر اینکه قانون حاکم بر اعتبار چنین شرطی را لازم بداند (Baker & Dolan, 2008: 82) یا اینکه در متن اعتبار صریحاً واگذاری عواید منع شده باشد (Adodo, 2014: 22; Bridge, 2016: 47-67; Linden Garden Trust Ltd v. Lenesta Sludge Disposals Ltd, 1993; Helstan Securities Ltd v. Hertfordshire County Council, 1978). درباره عدم نیاز به موافقت بانک، چنین استدلال شده است که: «با واگذاری مالکیت طلب اعتبار، انتقال‌دهنده (نی‌نفع اعتبار) همچنان طرف رابطه اعتبار اسنادی باقی می‌ماند و اختیار تهیه و ارائه اسناد مقرر در اعتبار همچنان با اوست و همین ویژگی است که عمل واگذاری طلب را بی‌نیاز از موافقت سایر طرف‌های اعتبار می‌گرداند» (بناء نیاسری، ۱۳۹۹: ۶۸۶).

۳-۲-۲) تفاوت در دفعات انتقال و واگذاری

انتقال اعتبار اسنادی سازوکاری است که صرفاً یک‌بار قابل استفاده می‌باشد و انتقال اعتبار به دفعات در حقوق اعتبارات اسنادی مجاز نیست. این مقوله بدین شکل در بند «d» ماده ۳۸ مقررات یو.سی.پی. ۶۰۰ انعکاس یافته است که: «اعتبار منتقل شده نمی‌تواند به درخواست نی‌نفع دوم به نی‌نفع‌های بعدی انتقال داده شود». ماده ۳۹ یو.سی.پی. ۶۰۰ درباره دفعات واگذاری عواید حاصل از اعتبار سکوت اختیار نموده است، اما از منظر حقوقی واگذاری عواید به دفعات با منعی مواجه نیست (Adodo, 2014: 23)، مگر اینکه در متن اعتبار اسنادی یا طبق قانون حاکم بر اعتبار واگذاری مجدد عواید منع شده باشد.

۴-۲-۲) تفاوت در نیاز به تنزیل مبلغ اعتبار

گرچه واگذاری عواید در اعتبارات اسنادی دیداری^{۱۱} از حیث نظری امکان‌پذیر است، اما از حیث

۱۰. به‌عنوان مثال، جزء «C» از بخش ۱۱۴ از ماده ۵ مقررات متحدالشکل تجاری آمریکا، واگذاری عواید اعتبار را منوط به موافقت بانک گشایش‌کننده اعتبار نموده است.

11. At sight LC

عملی واگذاری عواید در این دسته از اعتبارات به دلیل منتفی بودن تنزیل مبلغ اعتبار مطلوبیتی به دنبال ندارد. بالعکس، واگذاری عواید در اعتبارات اسنادی مدت‌دار^{۱۲} برای تجار مطلوبیت به همراه دارد (Rafiei & Tamizi, 2016: 468)؛ زیرا در این نوع، ذی‌نفع می‌تواند با دریافت مبلغی کمتر از مبلغ اسمی اعتبار (تنزیل)، واگذارشونده را ترغیب به پذیرش واگذاری نموده و در قبال انتقال کل طلب مدت‌دار به واگذارشونده، مبلغ تنزیل‌شده را به صورت آنی دریافت نماید. لذا در واگذاری عواید، تنزیل رکن کلیدی است، حال آنکه در انتقال اعتبار اساساً مقوله تنزیل مبلغ اعتبار موضوعیت ندارد.

۲-۲) شناسایی واگذاری عواید به عنوان انتقال اعتبار اسنادی در دادنامه شعبه دوم دیوان عالی کشور

قبل از پرداختن به ماهیت واگذاری عواید اعتبار اسنادی، بایسته است که به دقت این سازوکار از سازوکار دیگری موسوم به «انتقال اعتبار اسنادی» تفکیک شود، زیرا آثار مترتب بر هر یک از آن‌ها کاملاً متفاوت هستند. گرچه در مقررات یو.سی.پی. ۶۰۰ این دو سازوکار از یکدیگر تفکیک شده‌اند و انتقال اعتبار در ماده ۳۸ و واگذاری عواید در ماده ۳۹ مقررات مذکور ضابطه‌مند شده است، لیکن در عمل مفاهیم مزبور بعضاً در ایران با یکدیگر خلط شده و مرزبندی بین آن‌ها دچار آشفتگی می‌گردد.^{۱۳} به عنوان مثال، در دادنامه شعبه دوم دیوان عالی کشور به شماره ۳۷۶۳۴۸/۱۴۰۲۰۶۳۹۰۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۵/۱۶، اساساً واگذاری عواید اعتبار اسنادی به عنوان انتقال اعتبار قلمداد گشته و احکام ماده ۳۸ مقررات یو.سی.پی. ۶۰۰ بر آن مترتب شده است.

در پرونده مذکور ماجرا از این قرار بود که شرکت خارجی حسن و سنائی التجاریه در

12. Deferred LC

۱۳. سردرگمی در تمایز واگذاری عواید از انتقال اعتبار در مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی نیز سابقه دارد. این تفکیک اولین بار در یو.سی. پی ۲۹۰ (بازنگری سال ۱۹۷۴) صورت گرفت و در نسخ قبلی یو.سی.پی چنین تفکیکی موجود نیست (Pawlowic, 1992: 16-17; Miller, 1959: 195).



تاریخ ۲۰ دی ماه ۱۳۹۰ عواید دو فقره اعتبار اسنادی مدت‌دار گشایش‌یافته توسط یکی از بانک‌های دولتی ایران را به شرکت خارجی دیگری (سانیدو تریدینگ دی.ام.سی.سی.) واگذار نمود. در سررسید به دلیل استنکاف بانک ایرانی در پرداخت وجه اعتبارات، شرکت واگذارشونده اقدام به طرح دعوا در شعبه ۸۶ دادگاه عمومی تهران برای مطالبه وجه اعتبارات مذکور نمود. دادگاه بدوی در تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۸ طبق دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۲۱۶۱۸۰۱۲۳۸، بانک ایرانی را محکوم به پرداخت وجه اعتبارات نمود که پس از اعتراض، شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز بر اساس دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۲۲۱۸۰۰۰۳۶ مورخ ۱۳۹۶/۱/۱۹، دادنامه بدوی را تأیید کرد. در ادامه، بانک ایرانی با استفاده از ظرفیت ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری اقدام به اعاده دادرسی از دادنامه قطعی مذکور نمود که معاونت قضایی قوه قضاییه رأی صادره را به شرح ذیل خلاف بین شرع تشخیص داد.

در بخشی از دادنامه موصوف، نظریه معاونت قضایی قوه قضاییه این‌گونه نقل‌قول شده است که: «...، معاونت قضایی به لحاظ اینکه دعوای اشخاص خارجی علیه تبعه ایرانی قابلیت استماع ندارد و اینکه اساساً شرکت فروشنده (حسن و سنایی) بر اساس بند ۸ ماده ۳۸ مقررات متحدالشکل تجاری UCP600، بدون اجازه بانک حق انتقال اعتبار اسنادی به غیر نداشته و در این ماده تصریح شده است که بانک هیچ‌گونه تعهدی به انتقال اعتبار ندارد مگر به ترتیب و حدودی که صریحاً با آن موافقت نموده باشد و بانک بلافاصله پس از انتقال اعتبار اسنادی اعتراض خود را به این امر ابراز داشته...»، رأی صادره را خلاف شرع بین به محضر ریاست محترم قوه قضاییه اعلام کرده و ریاست محترم قوه قضاییه با قبول نظریه ابرازی، رأی مذکور در فوق را خلاف شرع بین تشخیص [داده]...». همان‌طور که ملاحظه می‌شود، معاونت قضایی قوه قضاییه واگذاری عواید دو فقره اعتبار اسنادی را به اشتباه مشمول ماده ۳۸ مقررات یو.سی.پی. ۶۰۰ دانسته و با استناد به بند ۸ ماده مذکور، چنین استدلال نموده است که چون انتقال بدون اجازه بانک گشایش‌کننده اعتبار صورت گرفته، لذا رأی صادره خلاف بین شرع تعبیر شده است. نکته مهم این است که قضات محترم شعبه ۲ دیوان عالی کشور نیز با تأیید نظریه معاونت قضایی حکم به بی‌حقی واگذارشونده و نقض دادنامه قطعی صادر نمودند.

۳. ماهیت حقوقی واگذاری عواید اعتبار اسنادی

سازوکار واگذاری عواید اعتبار اسنادی ماهیتاً نوعی قرارداد محسوب می‌شود که در آن ذی‌نفع اعتبار به‌عنوان واگذارکننده در قبال دریافت وجه (به میزان کمتر از مبلغ اسمی اعتبار) اقدام به واگذاری تمام یا بخشی از عواید اعتبار اسنادی به واگذارشونده می‌نماید. گرچه در قرارداد بودن واگذاری عواید اعتبار تردیدی وجود ندارد، لیکن آنچه می‌تواند اجرای این سازوکار را در نظام حقوقی ایران با چالش مواجه کند این است که واگذاری عواید اعتبار اسنادی چه نوع قراردادی قلمداد می‌شود؟ آیا این سازوکار در زمره عقود معین قرار می‌گیرد یا اینکه عقدی غیرمعین تابع حکم ماده ۱۰ ق.م.ا.ست؟ برای پاسخ به این پرسش در ادامه تلاش خواهد شد تا رویکردهای موجود در خصوص قالب قراردادی واگذاری عواید به تفکیک بررسی شوند.

۳-۱) انتقال طلب

یکی از قالب‌های حقوقی که برای توصیف ماهیت حقوقی واگذاری عواید اعتبار اسنادی مورد توجه قرار گرفته، قالب انتقال طلب است. در این باره، یکی از نویسندگان چنین عنوان نموده است که: «*قالب حقوقی انتقال عواید در نظام حقوقی ایران، انتقال طلب است...*» (مسعودی، ۱۴۰۰-۱۳۹۹: ۹۳). توصیف واگذاری عواید اعتبار اسنادی به‌عنوان انتقال طلب با این چالش مواجه است که آیا اساساً در نظام حقوقی ایران عقد معینی تحت عنوان انتقال طلب شناسایی شده است؟ چنانچه فرض شود که چنین قالبی به رسمیت شناخته شده است، پرسش دیگر این است که آیا این قالب مناسب برای توصیف واگذاری عواید اعتباری اسنادی است؟ در قانون مدنی ایران سرفصلی تحت عنوان انتقال طلب وجود ندارد، ولی در ماده ۲۹۲ این قانون ذیل عنوان «تبدیل تعهد» مقرره‌ای وجود دارد که به زعم برخی از نویسندگان دلالت بر انتقال طلب دارد. در بند ۳ این ماده، قانون‌گذار یکی از موارد تبدیل تعهد را این‌گونه تبیین نموده است: «*وقتی که متعهدله، مافی‌الذمه متعهد را به کسی دیگر منتقل نماید*». درباره اینکه مراد قانون‌گذار از بیان مقرر مذکور، انتقال طلب بوده یا قالب حقوقی دیگر، سه دیدگاه مختلف بین نویسندگان



وجود دارد.

بر اساس دیدگاه اول، مقنن در این بند دچار اشتباه در اقتباس از قانون مدنی فرانسه شده است؛ با این توضیح که: «قانون مدنی ایران تبدیل تعهد به وسیله تبدیل دائن را با انتقال طلب که تأسیس حقوقی جداگانه است، اشتباه نموده است... تبدیل تعهد به وسیله تبدیل دائن اگرچه از نظر سطحی مانند انتقال طلب است، ولی از نظر تحلیل حقوقی متفاوت و آثار و احکام آن دو مختلف می‌باشد» (امامی، ۱۳۶۴: ۳۴۰؛ شهیدی، ۱۳۶۸: ۸۴). در دیدگاه دوم، این تحلیل ارائه شده که قانون‌گذار در بند ۳ ماده ۲۹۲ ق.م. سازوکار انتقال طلب را شناسایی نموده است، زیرا: «...، بند ۲ [۳] ماده ۲۹۲ ق.م. در محلی نامناسب، انتقال طلب را در قواعد عمومی تعهدات پیش‌بینی کرده است...، پس در مقام رفع تعارض بین مفاد حکم و عنوان آن، یا باید آن را ناشی از اشتباه در ترجمه شمرد یا چنین نتیجه گرفت که مراد قانون‌گذار از تبدیل تعهد، مفهوم و شکل جدید آن (انتقال طلب) بوده است، نه تبدیل تعهد رومی. اما مقصود هرچه باشد، وجود بند ۲ [۳] ماده ۲۹۲ که با اصل حکومت اراده و مفاد ماده ۱۰ ق.م. نیز موافق است می‌تواند تأیید مفید و آشکاری بر امکان انتقال طلب خارج از شکل و قالب عقود معین باشد...» (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۵۲؛ ساعی، ۱۳۸۶: ۱۶۷). در نهایت، دیدگاه سوم قائل به عدم شناسایی انتقال طلب در مقرر موصوف است، زیرا: «...، بند ۳ ماده ۲۹۲ قانون مدنی، ناظر به تبدیل تعهد به اعتبار متعده است، نه انتقال طلب؛ زیرا چنانچه مقصود، جایگزینی تبدیل تعهد به اعتبار متعده با انتقال طلب بود، این امکان فراهم بود که در ذیل ماده ۲۹۲ با عنوان تبدیل تعهد، نکری از بند ۳ به میان آورده نشود، نه اینکه در ذیل عنوان تبدیل تعهد...، به انتقال طلب که در آن، سقوط تعهدی به وقوع نمی‌پیوندد اشاره شود...» (فصیحی‌زاده و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۱۴-۲۱۵).

از نظر قانونی، در ایران عقد معینی که به‌طور خاص انتقال طلب را پوشش داده و آثار و احکام آن را بیان نماید، وجود ندارد (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۵۱-۲۵۲) و حتی اگر این دیدگاه پذیرفته شود که بند ۳ ماده ۲۹۲ ق.م. دلالت بر انتقال طلب دارد و ماده ۳۸ قانون اعسار نیز به‌طور ضمنی این سازوکار را شناسایی نموده، لیکن آثار و احکام چنین عقدی توسط مقنن تبیین نشده است و انتقال طلب صرفاً در چهارچوب ماده ۱۰ ق.م. قابلیت اجرا دارد.

گرچه در سازوکارهای واگذاری عواید و انتقال طلب موافقت یا رضایت مدیون شرط تحقق آنها نیست (امامی، ۱۳۶۴: ۳۴۰؛ کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۶۳؛ شهیدی، ۱۳۶۸: ۸۴؛ صفایی، ۱۳۸۴: ۲۵۹؛ صالحی مازندرانی و بیات، ۱۳۹۳: ۴۲؛ حسینی و اسکینی، ۱۳۹۳: ۶۲-۶۳) و از این حیث دارای وجه اشتراک هستند، اما از نظر حقوقی انتقال طلب قالب مناسبی برای توصیف واگذاری عواید اعتبار اسنادی نیست،^{۱۴} زیرا در واگذاری عواید چنانکه گفته شد، تنزیل اعتبار رکن محوری و مشوق تجار برای کاربرد این روش است، حال آنکه در قالب انتقال طلب عملیات تنزیل اساساً موضوعیت ندارد و طلب با همان مبلغ به طلبکار جدید انتقال داده می‌شود. فارغ از این ایراد، مسئله مهم‌تر این است که در انتقال طلب، طلب با تمام اوصاف، ویژگی‌ها و ایراداتی که دارد به شخص جدید انتقال می‌یابد و انتقال‌گیرنده دارای همان حقوقی می‌شود که انتقال‌دهنده دارا بوده است، لذا بدهکار حق استناد به تمامی ایراداتی را دارد که می‌توانست در مقابل انتقال‌دهنده، مطرح نماید (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۶۸-۲۶۹؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۵۲: ۲۵؛ میرزائزاد جویباری، ۱۳۹۳: ۷۹-۸۸). در واگذاری عواید، رویه قضایی ایران از قالب سنتی انتقال طلب فاصله گرفته و واگذارشونده را مشمول اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات در برابر دارنده با حسن‌نیت دانسته است. در پرونده‌های شماره ۹۴۰۹۹۸۰۲۲۷۴۰۰۵۶۹ و ۹۴۰۹۹۸۰۲۲۷۴۰۰۱۸۷ شعبه ۱۴ دادگاه عمومی تهران، در این باره صریحاً حکم نموده است که: «...، در فرضی که اعتبار اسنادی صحیح است؛ ولی ذی‌نفع مرتکب تقلب در معامله شده است یا اسناد اعتبار را جعل کرده است یا موردی که اعتبارنامه به علت عدم مشروعیت باطل است، اگر عواید اعتبار اسنادی به شخص ثالث با حسن‌نیت واگذار گردید، نباید ریسک تقلب یا

۱۴. در دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۲۱۶۱۸۰۰۴۶۹ مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۲ صادره از سوی شعبه ۸۶ دادگاه عمومی حقوقی، چنین تصریح شده است که: «...، با وصف مراتب فوق دادگاه دعوای خواهان را با توجه به اینکه اساساً مشابَهت‌سازی بین انتقال عواید اعتبار اسنادی با مقوله انتقال طلب در قانون ایران متفاوت است و به فرض قبول مشابَهت مستلزم موافقت بدهکار نمی‌باشد...، وارد و ثابت تشخیص ...[می‌دهد]».



ریسک عدم مشروعیت را به وی تحمیل کنیم و باید محق به مطالبه وجه اعتبار بدانیم...».^{۱۵}

۲-۳) عقد حواله

قالب حقوقی دیگری که برای توصیف سازوکار واگذاری عواید در کانون توجه قرار گرفته عقد حواله است، با این توضیح که: «...، واگذاری طلب ناشی از اعتبار مشمول قانون ملی حاکم بر اعتبار است اما یو.سی.پی در خصوص آنکه طلب ناشی از اعتبار در چه قالب حقوقی قابل واگذاری به دیگری است ساکت می‌باشد. در نظام‌های حقوقی داخلی چه بسا قالب‌های حقوقی گوناگونی برای واگذاری طلب دیده شود. به عنوان مثال، در نظام حقوقی ایران عقد حواله قالبی شناخته شده برای انتقال طلب است» (بناء نیاسری، ۱۳۹۹: ۶۹۸). ماده ۷۲۴ ق.م. در تعریف این عقد مقرر نموده است که: «حواله عقدی است که به موجب آن طلب شخصی از ذمه مدیون به ذمه ثالثی منتقل می‌گردد». طبق این تعریف، عقد حواله گزینه درستی برای توصیف واگذاری عواید نیست، زیرا اولاً؛ از نظر ماهوی آنچه در عقد حواله اتفاق می‌افتد، انتقال دین است، به تعبیر دیگر در عقد حواله دین موجود از ذمه مدیون (محیل) حذف و به ذمه شخص ثالث (محال علیه) انتقال داده می‌شود و بدین ترتیب در عقد حواله مدیون عوض می‌گردد (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۸۳-۲۸۴؛ شهیدی، ۱۳۶۸: ۸۲؛ مومنی، ۱۴۰۱: ۳۶۵؛ کاتوزیان، ۱۴۰۱: ۱۸۴؛ امامی، ۱۳۸۷: ۳۶۴)، حال آنکه در واگذاری عواید، بانک گشایش‌کننده کماکان بدهکار باقی می‌ماند و این طلبکار است که به واسطه این سازوکار عوض می‌شود و به جای ذی‌نفع اعتبار، واگذارشونده در سررسید برای مطالبه وجه اعتبار به بانک رجوع می‌کند. ثانیاً؛ در عقد حواله، محیل (بدهکار) یکی از طرفین قرارداد است که بدون رضایت وی قرارداد محقق نمی‌شود.^{۱۶} در واگذاری عواید اساساً بانک گشایش‌کننده (بدهکار) طرف قرارداد واگذاری نیست و رضایت

۱۵. در آراء دیگری از جمله دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۳۶۴۰۱۱۹۳ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۸ صادره از شعبه ۴ دادگاه عمومی تهران و دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۲۱۶۱۸۰۱۲۳۸ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۸ صادره از شعبه ۸۶ دادگاه عمومی تهران و دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۲۲۱۸۰۰۰۳۶ مورخ ۱۳۹۶/۱/۱۹ صادره از شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، از همین خط فکری پیروی شده است. ۱۶. درباه اینکه عقد حواله یک عقد دوجانبه است یا سه جانبه بین نویسندگان اختلاف نظر وجود دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۸۳؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۵۳: ۳۷-۴۲؛ مومنی، ۱۴۰۱: ۳۶۳-۳۶۶).

بانک نیز شرط تحقق واگذاری محسوب نمی‌شود.

۳-۳ عقد خرید دین

بیرون از حوزه قانون مدنی، در قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲، قراردادی تحت عنوان «عقد خرید دین» وجود دارد که بر اساس ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹، به مجموعه عقود بانکی اضافه شده است. ماده ۸۶ آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا در تعریف عقد خرید دین چنین مقرر می‌نماید که: «خرید دین، قراردادی است که به موجب آن شخص ثالثی دین مدت‌دار بدهکار را به کمتر از مبلغ اسمی آن به صورت نقدی از داین خریداری می‌کند». همین تعریف عیناً در ماده ۱ دستورالعمل اجرایی عقد خرید دین مصوب شورای پول و اعتبار در تاریخ ۱۳۹۰/۵/۲۵ تکرار شده است.

گرچه برخی از نویسندگان تنزیل را معادل قرارداد خرید دین دانسته‌اند (السان، ۱۳۹۹: ۱۳۳؛ شهبازی‌نیا و اونق، ۱۳۹۲: ۱۱۵؛ مبین و امیرحسینی ۱۳۹۴: ۹۴)، اما این نگرش رهزن است، زیرا تنزیل به‌تنهایی قرارداد محسوب نمی‌شود، بلکه عملیات تنزیل جزئی از فرآیند قرارداد خرید دین است؛ به سخن دیگر موضوع قرارداد، خرید دین است که در آن دین به مبلغ کمتر از مبلغ اسمی فروخته می‌شود.^{۱۷} با توجه به اینکه در واگذاری عواید اعتبار اسنادی نیز واگذارشونده، دین مدت‌دار بانک گشایش‌کننده را به کمتر از مبلغ اسمی آن خریداری می‌نماید، می‌توان گفت که واگذاری عواید اعتبار اسنادی یکی از مصادیق خرید دین در نظام حقوقی ایران است (آرین، ۱۴۰۰: ۱۸). در ماده ۳۴ دستورالعمل اعتبارات اسنادی داخلی-ریالی (ویرایش سال ۱۴۰۳) این دیدگاه بدین نحو تأیید شده است: «تنزیل سند تعهد پرداخت در اعتبار اسنادی داخلی مدت‌دار در قالب عقد خرید دین و پس از استعلام از سامانه تسهیلات و تعهدات بانکی بانک مرکزی مبنی بر اصالت و صحت اعتبار اسنادی داخلی...، مجاز می‌باشد».^{۱۸} همچنین در ماده ۴۳ دستورالعمل یادشده، قید شده است که: «سایر موارد ناظر

۱۷. درباره ملاحظه تفاوت‌های تنزیل و خرید دین رجوع کنید به (سلطانی، ۱۳۹۰: ۲۱۲).

۱۸. دستورالعمل اعتبارات اسنادی داخلی-ریالی مصوب ۱۴۰۳/۱/۲۱:



بر تنزیل سند تعهد پرداخت تابع دستورالعمل اجرایی عقد خرید دین و سایر مصوبات ابلاغی توسط بانک مرکزی می‌باشد».

توصیف واگذاری عواید اعتبار اسنادی به عنوان قرارداد خرید دین، این پرسش را طرح می‌کند که آیا در این قرارداد، خریدار می‌تواند مصون از ایرادات یا دفاعیات ناشی از معامله منشأ دین باشد؟ گرچه در نگاه اول ممکن است پیوند قرارداد خرید دین به عنوان یک عقد اسلامی با اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات در برابر دارنده با حسن‌نیت دور از ذهن به نظر برسد، اما توجه به حوزه‌ای که عقد خرید دین قرار است در آن اجرایی شود، این پیام را مخابره می‌کند که این پرسش، چندان هم بی‌ربط نیست. توضیح اینکه، اولاً؛ مقنن ایرانی در ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه، قرارداد خرید دین را در زمره عقود بانکی تجویز نموده است و آیین‌نامه اصلاحی فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا نیز در مواد ۸۷ تا ۸۹، اجرای قرارداد خرید دین را با اوراق و اسناد تجاری مدت‌دار پیوند زده است. با توجه به اینکه یکی از اصول بنیادین جاری در حقوق اسناد تجاری، اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات در برابر دارنده با حسن‌نیت است، بایسته است که خرید دین ناشی از اسناد تجاری از جمله اعتبارات اسنادی مدت‌دار نیز مشمول اصل مذکور گردد و چنانچه خریدار دین اعتبار اسنادی، مطلع از ایرادات ناشی از معامله منشأ دین نباشد، باید از آثار ایرادات در امان باشد. ثانیاً؛ حمایت از دارنده با حسن‌نیت عواید اعتبار اسنادی در رویه قضایی ایران نیز مقبول واقع شده است، زیرا چنانکه گفته شد، دادگاه‌های ایران اعمال اصل مذکور را در واگذاری عواید حاصل از اعتبار به رسمیت شناخته‌اند. ثالثاً؛ بر اساس مفاد ماده ۸۷ آیین‌نامه اصلاحی فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، قرارداد خرید دین به عنوان یک ابزار تأمین مالی در اختیار بانک‌ها قرار گرفته است، حال چنانچه خرید دین ناشی از اوراق تجاری مصون از ایرادات ناشی از معامله منشأ دین نباشد، قرارداد خرید دین مطلوبیتی برای بانک‌ها یا دیگر خریداران دین اوراق تجاری نخواهد داشت و در عمل رواج این قرارداد با مانع جدی روبه‌رو خواهد شد. مسئله دیگر در این خصوص این است که در واگذاری عواید، حق برداشت/اجرا به

واگذارشونده منتقل نمی‌شود و نامبرده صرفاً عواید حاصل از اعتبار را دارا خواهد شد. توصیف واگذاری عواید اعتبار به عنوان قرارداد خرید دین این ابهام را به دنبال دارد که مسئله حق برداشت/اجرا در قالب این قرارداد چگونه قابل هضم خواهد بود؟ همان طور که پیشتر گفته شد، واگذاری عواید اعتبار اسنادی یکی از مصادیق قرارداد خرید دین است که در این قرارداد حکم مندرج در ماده ۳۹ یو.سی.پی. ۶۰۰ نیز قابل لحاظ است، یعنی در خرید دین ناشی از اعتبار اسنادی (واگذاری عواید) خریدار دین حقی برای ارائه اسناد ندارد؛ به همین خاطر اگر خریدار قبل از ارائه اسناد منطبق توسط ذی‌نفع اقدام به خرید دین اعتبار نماید، ریسک بزرگی را قبول نموده است. به بیان دیگر، ترکیب عقد خرید دین و حکم ماده ۳۹ یو.سی.پی. ۶۰۰ هیچ منع قانونی ندارد و می‌توان از عقد خرید دین برای واگذاری عواید اعتبار اسنادی با لحاظ نمودن این نکته که خریدار حقی برای اجرای تعهدات ذیل اعتبار (ارائه اسناد) ندارد، بهره برد. چنانکه اشاره شد، خرید دین حاصل از اعتبار قبل از ارائه اسناد توسط ذی‌نفع ریسک بالایی را برای خریدار به همراه دارد؛ به همین دلیل یکی از الزامات قرارداد خرید دین طبق ماده ۸۹ آیین‌نامه اصلاحی فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا این است که: «بانک‌ها مکلف‌اند قبل از خرید دین موضوع اسناد و اوراق تجاری، از حقیقی بودن دین و نقدشوندگی آن در سررسید، اطمینان حاصل نمایند». عبارت حقیقی بودن دین، این الزام را ایجاب می‌کند که بانک‌ها باید قبل از خرید دین از قطعی بودن آن اطمینان حاصل کنند. از آنجا که در واگذاری عواید، دین موضوع اعتبار قبل از ارائه اسناد به بانک و تأیید تطبیق آن‌ها قطعی نشده است، دین حقیقی محسوب نمی‌شود و خرید چنین دینی توسط بانک‌ها طبق الزام فوق مجاز نمی‌باشد.

۴. ارزیابی مشروعیت واگذاری عواید اعتبار اسنادی

علی‌رغم اینکه از سال ۱۳۸۹ قرارداد خرید دین به مجموعه عقود بانکی اضافه شده است که در چهارچوب این قرارداد می‌توان سازوکار واگذاری عواید اعتبار اسنادی را نظام‌مند نمود، اما در مردادماه سال ۱۳۹۱، بانک مرکزی ایران در اقدامی قابل‌تأمل، تنزیل اعتبارات اسنادی ارزی وارداتی مدت‌دار را ممنوع اعلام نمود. گرچه این ممنوعیت در مردادماه ۱۴۰۱ تا حدی



تعدیل گشت، لکن اقدام بانک مرکزی، با این وضعیت سؤال‌برانگیز مواجه شد که آیا وضع چنین ممنوعیتی توسط بانک مرکزی دارای وجهت قانونی است؟ برای ارائه پاسخ به پرسش بالا، در گام نخست مبنای وضع ممنوعیت تنزیل اعتبارات اسنادی ارزی واکاوی خواهد شد، سپس در گام دوم، جایگاه قانونی واگذاری عواید اعتبار اسنادی با توجه به ممنوعیت مزبور تحلیل می‌شود.

۴-۱) مقررات ارزی بانک مرکزی و ممنوعیت تنزیل اعتبارات اسنادی ارزی وارداتی

بخش اول مجموعه مقررات ارزی ایران حاوی ضوابط ارزی حاکم بر واردات کالا و خدمات است. قبل از ویرایش شماره ۶۰/۱۰۱۲ مورخ ۱۳۹۱/۵/۷، درباره تنزیل اعتبارات اسنادی ارزی وارداتی در این بخش مقرره‌ای وجود نداشت، ولی بانک‌های ایرانی در عمل طبق رویه بانکداری بین‌المللی مبادرت به تنزیل اعتبارات اسنادی ارزی می‌نمودند. در ویرایش شماره ۶۰/۱۰۱۲، تبصره ۱ به ماده ۱۵ از قسمت الف بخش اول مقررات ارزی با این محتوا الحاق شد که: «تنزیل اسناد اعتبارات اسنادی مدت‌دار امکان‌پذیر نمی‌باشد». الحاق این تبصره در آن مقطع زمانی بدین دلیل بود که به واسطه تفاوت فاحش نرخ ارز آزاد و دولتی، خصوصاً پس از شوک ارزی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۱، برخی از شرکت‌های ایرانی با تأسیس شرکت‌های وابسته صوری، به‌ویژه در مناطق آزاد کشور امارات، درخواست گشایش اعتبارات اسنادی ارزی مدت‌دار به نفع شرکت‌های مذکور برای واردات کالا می‌نمودند و پس از ارائه اسناد غیرواقعی به بانک گشایش‌کننده ایرانی و اخذ تأیید تطبیق اسناد از بانک مربوطه، اقدام به واگذاری عواید اعتبارات اسنادی به شرکت‌های خارجی نموده و مبلغ تنزیل‌شده را قبل از سررسید دریافت می‌کردند. نظر به اینکه در عمل هیچ کالایی به کشور وارد نمی‌شد، در سررسید، بانک از پرداخت وجه اعتبار به واگذارشونده به دلیل وقوع تقلب امتناع می‌نمود که این وضعیت به نوبه خود سبب طرح تعداد زیادی دعاوی حقوقی و کیفری در دادگاه‌های ایران شد، به نحوی که یکی از عوامل مؤثر بر تصمیم ریاست وقت قوه قضاییه برای ایجاد یک دادرسی تخصصی تحت عنوان «دادرسی ویژه جرائم پولی و بانکی» گردید (خبرگزاری میزان، ۱۳۹۴).

ممنوعیت موصوف در عمل تأثیر چندانی به همراه نداشت، زیرا عامل اصلی ایجاد بستر شکل‌گیری فساد مالی شبکه‌ای به شرح فوق، تفاوت فاحش نرخ ارز است که شمار قابل‌توجهی از شرکت‌های ایرانی را ترغیب به انجام چنین رفتار متقلبانه‌ای می‌نماید. در واقع تا زمانی که چنین شکاف عمیقی بین نرخ ارز آزاد و دولتی وجود داشته باشد، این تصور که ممنوعیت تنزیل اعتبارات اسنادی ارزی بتواند مانع از ارتکاب رفتارهای سودجویانه مزبور شود، تصور خامی است که مصداق بارز پاک کردن صورت مسئله است. در حال حاضر کاهش میزان دعاوی مرتبط با اعتبارات اسنادی ارزی در دادگاه‌های ایران، ناشی از مؤثر بودن ممنوعیت مورد اشاره نیست، زیرا پس از خروج آمریکا از برجام در سال ۱۳۹۷ و بازگشت تحریم‌های یک‌جانبه آن دولت، دسترسی بانک‌های ایرانی به شبکه بین‌المللی سوئیفت قطع شد و از آن زمان به بعد صدور اعتبارات اسنادی ارزی توسط بانک‌های ایرانی کاملاً منتفی گشته است. عدم کارایی ممنوعیت مذکور و عدم امکان صدور اعتبارات اسنادی ارزی از سال ۱۳۹۷ سبب شد تا بانک مرکزی ممنوعیت اعمال‌شده را تا حدی ملایم نماید و در ویرایش شماره ۰۱/۱۱۷۱۳۲ مورخ ۱۴۰۱/۵/۱۰، مقرر جدیدی را ذیل بند ۸ ماده ۱۰ از قسمت الف بخش اول مقررات ارزی، بدین شرح جایگزین مقرر قبلی نماید که: «تنزیل اعتبارات مدت‌دار صرفاً توسط شعب و واحدهای خارج از کشور آن مؤسسه اعتباری با رعایت سایر ضوابط و مقررات امکان‌پذیر می‌باشد».^{۱۹}

۲-۴) جایگاه قانونی واگذاری عواید اعتبار اسنادی در نظام حقوقی ایران

چنانکه تحلیل شد، واگذاری عواید اعتبار اسنادی در نظام حقوقی ایران در قالب قرارداد خرید دین قابل توصیف است، اما ممنوعیت اعمال‌شده از سوی بانک مرکزی در خصوص تنزیل اعتبارات اسنادی ارزی وارداتی به شرح قسمت قبلی پرسشی را در خصوص مشروعیت این ممنوعیت به ذهن متبادر می‌نماید که برای یافتن پاسخ آن‌ها ابتدا رویکرد مقررات جاری درباره

۱۹. مقررات ارزی - بخش اول (واردات کالا و خدمات).

Available at: <https://cbi.ir/datedlist/3354.aspx> (last visited on Sep. 26, 2025)



واگذاری عواید در سایر اقسام اعتبارات اسنادی بررسی خواهد شد، سپس در ادامه وجاهت قانونی ممنوعیت موضوع بحث واکاوی می‌گردد.

۴-۲-۱) اعمال استاندارد دوگانه برای تنزیل اعتبارات اسنادی

در نظام بانکی ایران، اعتبارات اسنادی از نظر نوع ارز منشأ صدور آن، به دو دسته اعتبارات اسنادی ریالی و ارزی طبقه‌بندی می‌شوند و اعتبارات اسنادی ارزی نیز به نوبه خود به دو گروه ارزی وارداتی و صادراتی تقسیم می‌گردند. علی‌رغم اینکه بانک مرکزی در اعتبارات اسنادی ارزی وارداتی تنزیل را به شرحی که اعلام شد، ممنوع نموده است، اما تنزیل اعتبارات اسنادی داخلی-ریالی طبق ضوابط جاری بانک مرکزی کاملاً مجاز می‌باشد. چنانکه پیشتر اشاره شد، ماده ۳۴ دستورالعمل اعتبارات اسنادی داخلی-ریالی، تنزیل اعتبار اسنادی ریالی را در قالب عقد خرید دین مجاز دانسته است. تجویز تنزیل اعتبارات ریالی و ممنوعیت تنزیل اعتبارات ارزی وارداتی حکایت از اعمال یک استاندارد دوگانه از سوی بانک مرکزی ایران در این زمینه دارد. شایان ذکر است به اندازه‌ای که امکان بروز فساد مالی در اعتبارات ارزی مدت‌دار وجود دارد، به همان اندازه نیز شکل‌گیری فساد مالی در اعتبارات ریالی مدت‌دار ممکن می‌باشد که نمونه بارز آن فساد معروف ۳۰۰۰ هزار میلیارد تومانی گروه امیر منصور آریا است که در گزارش سازمان بازرسی کل کشور این مسئله به‌طور ملموسی مستند شده است (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۰؛ دنیای اقتصاد، ۱۳۹۰). بانک مرکزی در پاسخ به این فساد، ابتدا گشایش اعتبارات اسنادی ریالی را در سال ۱۳۹۰ برای بازه زمانی کوتاهی ممنوع اعلام نمود^{۲۰} که این ممنوعیت به اعتقاد معاون وقت اداره مطالعات و مقررات بانک مرکزی «سخت‌گیرانه و هزینه‌زا» توصیف شده بود (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۱).

در اعتبارات اسنادی ارزی صادراتی نیز تنزیل اعتبار در قالب قرارداد خرید دین به رسمیت شناخته شده است. طبق بخش (ب) آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۹ قانون تنظیم بخشی از مقررات

۲۰. بخشنامه «الزامات ناظر بر فرآیند اعتبار اسنادی داخلی-ریالی»، شماره ۹۰/۲۶۰۸۱۸ مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱. Available at: <https://cbi.ir/page/8851.aspx> (last visited on Sep. 28, 2025)

تسهیل نوسازی صنایع کشور مصوب ۱۳۸۲/۶/۱۰، «بانک‌ها می‌توانند اسناد مدت‌دار اعتبارات اسنادی صادراتی... را در چهارچوب آیین‌نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین) و مقررات اجرایی آن به همان ارز تنزیل نموده و به صادرکننده پرداخت نمایند». بر این اساس، در حال حاضر در اعتبارات ریالی و ارزی صادراتی تنزیل در قالب قرارداد خرید دین مجاز است، حال آنکه در اعتبارات ارزی وارداتی تنزیل فقط برای شعب خارجی بانک‌های ایرانی مجاز قلمداد شده است و شعب داخلی بانک‌ها مجاز به انجام این کار نیستند.

۴-۲) ارزیابی و جاهت قانونی ممنوعیت تنزیل اعتبارات اسنادی ارزی وارداتی

در نگاه اول ممکن است این‌طور به نظر آید که ممنوعیت تنزیل اعتبارات اسنادی ارزی وارداتی تعارضی با حکم ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه ندارد، زیرا: «... این ماده به معنای آن نیست که بانک‌ها در هر موردی می‌توانند مبادرت به تنزیل اسناد تجاری بنمایند؛ زیرا گذشته از اینکه... این عقد نیاز به وضع مقررات اجرایی در قالب دستورالعمل و آیین‌نامه اجرایی دارد، در هر حال بانک مرکزی به‌عنوان سیاست‌گذار پولی و اعتباری و مقام ناظر بانکی و وضع‌کننده مقررات ارزی، طبق قانون پولی و بانکی، حق و اختیار دارد که مقرراتی را در مورد نحوه انجام عملیات بانکی، پولی و ارزی وضع کند و ممنوعیت تنزیل اعتبارات اسنادی وارداتی نیز می‌تواند مبتنی بر اختیارات قانونی بانک مرکزی ناشی از بند ج ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور و سایر مقررات قانونی در این زمینه باشد» (مسعودی، ۱۳۹۹-۱۴۰۰: ۹۶-۹۷). این استدلال از دو منظر مخدوش است، اولاً؛ آیین‌نامه اجرایی ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه و دستورالعمل عقد خرید دین چندین سال قبل از ادعای فوق تدوین و اجرایی شده‌اند و تدوین قرارداد خرید دین برای بانک‌های کشور بر اساس آن‌ها ضابطه‌مند شده است. ثانیاً؛ ممنوعیتی که بانک مرکزی ابتدا از طریق الحاق یک تبصره به ماده ۱۵ قسمت (ب) بخش اول مقررات ارزی اعمال نموده بود، در تعارض با قواعد موجد حق است، زیرا ممنوعیت مزبور باعث سلب حق از ذی‌نفع اعتبار برای واگذاری عواید آن می‌گردد و سلب حق نیازمند مصوبه مجلس است و بانک مرکزی از نظر قانونی در جایگاهی نیست که بتواند با اصلاح بخشنامه‌های ارزی خود،



قواعد موجد حق را تغییر دهد؛ لذا ممنوعیت وضع‌شده در قالب تبصره الحاقی فوق‌الذکر در تعارض با حکم صریح ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه محسوب می‌شود. گرچه بانک مرکزی در ویرایش سال ۱۴۰۱، از ممنوعیت مذکور تا حدودی عقب‌نشینی نمود، لیکن مقرر جدیدی هم که جایگزین آن شد، محل ایراد جدی قرار دارد. زیرا اولاً؛ مفهوم مخالف مقرر موصوف این است که تنزیل اعتبارات اسنادی مدت‌دار توسط شعب داخلی بانک‌های کشور کماکان ممنوع است که مجدداً همان بحث تعارض با حکم ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه مطرح می‌شود. ثانیاً؛ اینکه تنزیل توسط شعب داخلی بانک‌های ایرانی ممنوع ولی توسط شعب خارجی آن‌ها مجاز است، منطق قابل‌قبولی را مخابره نمی‌نماید، خصوصاً اینکه شعب خارجی از نظر ساختاری و اداره امور تابع سیاست‌گذاری شعبه مرکزی خود در ایران قرار دارند.

۵. سرانجام

واگذاری عواید در اعتبارات اسنادی سازوکاری است مجزا از انتقال اعتبار که به‌موجب آن ذی‌نفع پس از واگذاری از رابطه اعتباری اسنادی خارج نمی‌شود و کماکان اجرای تعهدات را برعهده دارد و واگذارشونده مشروط بر اینکه ذی‌نفع، اسناد منطبق را ارائه دهد، صرفاً دارنده عواید اعتبار خواهد بود. مطلوبیت این سازوکار برای تجار ناشی از قابلیت تنزیل طلب مدت‌دار ذی‌نفع است، از این رو تنزیل رکن محوری قرارداد واگذاری است. ضمناً برخلاف سازوکار انتقال اعتبار در واگذاری عواید، رضایت بانک گشایش‌کننده اعتبار شرط صحت واگذاری نیست، چراکه اجرای تعهدات اعتبار کماکان به عهده ذی‌نفع است؛ لذا رضایت بانک محلی از اعراب ندارد. در نظام حقوقی ایران، واگذاری عواید ماهیتاً مصداق قرارداد خرید دین است که ضوابط حاکم بر آن در ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه، آیین‌نامه اجرایی آن و دستورالعمل اجرایی عقد خرید دین پیاده‌سازی شده است. علی‌رغم وجود چنین بستر قانونی، بانک مرکزی برای مبارزه با فساد مالی سازمان‌یافته در تنزیل اعتبارات اسنادی ارزی در اقدامی خارج از حدود صلاحیت خود در مردادماه ۱۳۹۱، تنزیل این دسته از اعتبارات را ممنوع نمود. گرچه

در مردادماه ۱۴۰۱ پس از فروکش کردن نسبی تب فساد مالی موصوف، این ممنوعیت تا حدودی تعدیل گشت، اما کماکان اصل چالش ممنوعیت تنزیل اعتبارات اسنادی ارزی مدت‌دار برای شعب داخلی بانک‌های ایرانی برقرار است.

چنانکه اشاره شد، سیاست‌گذاری بانک مرکزی برای ممنوعیت تنزیل اعتبارات ارزی منجر به اعمال استاندارد دوگانه در این زمینه شده است، زیرا برخلاف اعتبارات ارزی، در اعتبارات ریالی طبق دستورالعمل اعتبارات اسنادی داخلی-ریالی تنزیل این دسته از اعتبارات کاملاً مجاز می‌باشد، حال آنکه منطق چنین تفکیکی مشخص و شفاف نیست و در اعتبارات اسنادی ریالی نیز به همان اندازه اعتبارات ارزی، امکان شکل‌گیری فساد مالی سازمان‌یافته وجود دارد. به هر روی، ممنوعیت موضوع بحث به جز حذف یک روش مؤثر برای تأمین مالی تجارت، دستاورد ملموسی به همراه نداشته است و مشروعیت آن به‌طور جدی محل سؤال است، زیرا بانک مرکزی خارج از حدود صلاحیت خود عمل نموده است؛ چراکه وضع این ممنوعیت در تضاد آشکار با قواعد موجد حق (ماده ۹۸ قانون برنامه پنجم توسعه) قرار دارد. در واقع ممنوعیت موصوف سبب سلب حق از ذی‌نفع اعتبار برای واگذاری عواید آن می‌گردد و چنین سلب حقی مستلزم مجوز قوه مقننه است و بانک مرکزی در جایگاهی نیست که بتواند قواعد موجد حق را تغییر دهد. از این رو پیشنهاد می‌شود که بانک مرکزی نسبت به رفع ممنوعیت مذکور اقدام نماید، در غیر این صورت از نظر قانونی ابطال این مقرر در دیوان عدالت اداری قابل پیگیری است.

۶. منابع

۱-۶) فارسی

الف) کتب

۱. السان مصطفی (۱۳۹۹). حقوق بانکی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت.
۲. امامی سید حسن (۱۳۶۴). حقوق مدنی، جلد اول، چاپ پنجم، تهران: انتشارات اسلامیه.
۳. امامی سید حسن (۱۳۸۷). حقوق مدنی، جلد دوم، چاپ بیستم، تهران: انتشارات اسلامیه.
۴. بناء نیاسری، ماشاءالله (۱۳۹۹). حقوق اعتبارات اسنادی (تجاری و تضمینی)، جلد دوم،

۵. چاپ دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۵۲). دوره حقوق مدنی: عقد ضمان، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۵۳). دوره حقوق مدنی: عقد حواله، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
۷. سلطانی، محمد (۱۳۹۰). حقوق بانکی، تهران: میزان.
۸. شهیدی، مهدی (۱۳۶۸). سقوط تعهدات، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). حقوق مدنی: نظریه عمومی تعهدات، تهران: نشر یلدا.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۱). دوره مقدماتی حقوق مدنی: درس‌هایی از عقود معین، جلد دوم، چاپ سی‌وپنجم، تهران: گنج دانش.

(ب) مقالات

۱۱. آراین، محمد (۱۴۰۰). «تأثیر تقلب بر حقوق انتقال‌گیرنده عواید حاصل از اعتبار اسنادی در نظام حقوقی ایران با تحلیل تطبیقی یک پرونده قضایی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، شماره ۱۱۴، صص ۱-۲۶.
۱۲. حسینی، سید محمدرضا و ربیعا اسکینی (۱۳۹۳). «بررسی ماهیت حقوقی انتقال اعتبار در مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی اتاق بازرگانی بین‌المللی (UCP ۶۰۰)»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۲، صص ۴۹-۷۰.
۱۳. خوئینی، غفور؛ قربانیان، حسین و امیرحسین پیله‌ور ستاری (۱۳۹۱). «بررسی واگذاری عواید اعتبار در مقررات اعتبارات اسنادی (UCP 500 و UCP 600 و ISP 98 و URDG 758 و UCC) و کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به ضمانت‌نامه‌های مستقل و اعتبارات اسنادی تضمینی»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۳۰، شماره ۴۸، صص ۱۵۱-۱۸۲.
۱۴. ساعی، محمدهادی (۱۳۸۶). «وضعیت تضمینات پس از انتقال طلب یا انتقال دین»،

- پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۵۱-۱۸۶.
۱۵. شهبازی‌نیا، مرتضی و شهرزاد اونق (۱۳۹۲). «تحلیل ماهیت حقوقی و مشروعیت تنزیل اسناد تجاری بر مبنای ماهیت بسیط و مرکب در فقه و اندیشه‌های حقوقی»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۷، شماره ۱، صص ۹۹-۱۲۰.
۱۶. صالحی مازندرانی، محمد و فرهاد بیات (۱۳۹۳). «تبیین ماهیت حقوقی انتقال اعتبار از طریق نظام بانکی»، پژوهش حقوق خصوصی، دوره ۲، شماره ۶، صص ۳۳-۶۱.
۱۷. فصیحی‌زاده، علی‌رضا؛ حسینی خاتون آبادی، سید نصیر و محمدامین فصیحی‌زاده (۱۴۰۰). «تحلیل دوگانگی انتقال طلب و تبدیل تعهد به اعتبار متعهدله در حقوق ایران»، پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲۰، شماره ۴۷، صص ۱۹۵-۲۱۷.
۱۸. مبین، حجت و امین امیرحسینی (۱۳۹۴). «بررسی فقهی و حقوقی ماهیت تنزیل اسناد تجاری با تأکید بر مقررات بانکی کشور»، دانشنامه حقوق اقتصادی، دوره ۲۲، شماره ۷، صص ۹۴-۱۲۷.
۱۹. مسعودی، علی‌رضا (۱۳۹۹-۱۴۰۰). «نقد و بررسی مقاله تأثیر تقلب بر حقوق انتقال‌گیرنده عواید حاصل از اعتبار اسنادی در نظام حقوقی ایران با تحلیل تطبیقی یک پرونده قضایی»، مجله حقوق بانکی، دوره ۸-۹، شماره ۱۸-۱۹، صص ۸۹-۹۹.
۲۰. مومنی، خسرو (۱۴۰۱). «واکاوی احکام عقد حواله با رویکردی نقادانه به موضع قانون مدنی»، مطالعات حقوقی، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۳۴۳-۳۷۲.
۲۱. میرزانژاد جویباری، اکبر (۱۳۹۳). «انتقال طلب و آثار آن»، فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضایی، دوره ۳، شماره ۹، صص ۷۹-۸۷.

پ) وبگاه‌های خبری

۲۲. خبرگزاری ایسنا، متن کامل گزارش سازمان بازرسی کل کشور درباره پرونده فساد عظیم بانکی، کد خبر ۹۰۱۲۲۱۰۳۰۶۸، مورخ ۲۱ اسفندماه ۱۳۹۰.
- Available at <https://www.isna.ir/news/90122103068> (last visited on Sep. 28,



2025)

۲۳. خبرگزاری میزان، افتتاح رسمی دادرسی جرایم پولی و بانکی در اسفند ماه امسال، کد خبر: ۱۳۶۵۴۱، مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۸.

Available at <https://www.mizanonline.ir/000ZWH> (last visited no Sep. 29, 2025)

۲۴. روزنامه دنیای اقتصاد، پس‌لرزه فساد در گشایش اعتبارات بانکی، روزنامه شماره ۲۴۹۴، شماره خبر ۴۲۳۷۶، مورخ ۱۳۹۰/۸/۸.

Available at <https://donya-e-eqtesad.com/fa/tiny/news-423765> (last visited on Sep. 28, 2025)

۲۵. روزنامه دنیای اقتصاد، روش مقابله با انحراف ال‌سی‌های ریالی (متن مصاحبه با معاون وقت اداره مطالعات و مقررات بانک مرکزی)، روزنامه شماره ۲۸۱۶، شماره خبر ۵۲۵۱۲۰، مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۳.

Available at <https://donya-e-eqtesad.com/fa/tiny/news-525120> (last visited on Sep. 28, 2025).

۲-۶) انگلیسی

A) Books

26. Adodo, Ebenezer (2014). *Letter of Credit: The Law and Practice of Compliance*, Oxford, Oxford University Press.
27. Baker, Walter & John Dolan (2008). *Users' Handbook for Documentary Credits under UCP 600*, Paris, ICC Publication No. 694.
28. Dolan, John (2012). *The Law of Letters of Credit: Commercial and Standby*, Vol. 2, 4th ed., New York, Lexis Nexis A.S. Pratt.
29. Ellinger, Peter and Dora Neo (2010). *The Law and Practice of Documentary Letters of Credit*, Portland, Hart Publishing.
30. Gao, Xiang (2002). *The Fraud Rule in the Law of Letters of Credit: A Comparative Study*, The Hague, Kluwer Law International.
31. International Chamber of Commerce-ICC (2007). *Commentary on UCP 600: Article by Article Analysis*, Paris, ICC Publication No. 680E.
32. King, Richard (2001). *Gutteridge and Megrah's Law of Bankers' Commercial*

Credits, 8th ed., London, Europa Publications Limited.

33. Miller, Norman I. (1959). "Problems and Patterns of the Letter of Credit", in Paul O. Proehl. (ed.), *Legal Problems of International Trade*, Urbana, University of Illinois Press, pp. 162-201.
34. Murray, Carole et al. (2012). *Schmitthoff- The Law and Practice of International Trade*, 12th ed., London, Sweet & Maxwell.
35. Todd, Paul (2007). *Bills of Lading and Bankers' Documentary Credits*, 4th ed., London, Informa Law.

B) Articles

36. Bridge, Michael G. (2016). "The Nature of Assignment and Non-Assignment Clauses", *Law Quarterly Review*, 32(1), pp. 47-67.
37. Eberth, Rolf & E. P. Ellinger (1982). "Assignment and Presentation of Documents in Commercial Credit Transactions", *Arizona Law Review*, 24(2), pp. 277-300.
38. Pawlowic, Dean (1992). "Letters of Credit: A Framework for Analysis of Transfer, Assignment, Negotiation and Transfer by Operation of Law", *Wayne Law Review*, 39(1), pp. 1-65.
39. Rafiei, Mohammad Taghi & Akbar Tamizi (2016). "Discounting of Letters of Credit; A Legal Analysis", *Journal of Money and Economy*, 11(4), pp. 467-482.

C) Cases

40. *Anchor Centre Partners v. Mercantile Bank*, 803 S.W.2d 23 34 (1991).
41. *Helstan Securities Ltd v. Hertfordshire County Council* [1978] 3 All ER 262.
42. *Linden Garden Trust Ltd v. Lenesta Sludge Disposals Ltd* [1993] 3 All ER 417.
43. *Singer & Friedlander v. Creditanstalt- Bankverein*, 17 Cg 72/80 (Handelsgericht Wien 1980).

[In Persian]:

A) Books

44. Baba Niasari, M. (2021). *Law of Letters of Credit (Commercial & Standby)*. Vol. 2, 2nd ed. Tehran: The *Shahr -e- Danesh* Institute of Law (Research & Study).
45. Elsan, M. (2020). *Banking Law*. 8th ed. Tehran: Samt Publication.

46. Emami, S. H (1985). *Civil Law*. Vol. 1, 5th ed. Tehran: Eslamiyeh Publication.
47. Emami, S. H (2008). *Civil Law*. Vol. 2, 20th ed. Tehran: Eslamiyeh Publication.
48. Jafari Langarudi, M. J. (1973). *Civil Law: Guarantee Contract*. 1st ed. Tehran: Sherkat-e Sahami-ye Ketab-ha-ye Jibi.
49. Jafari Langarudi, M. J. (1974). *Civil Law: Haval-e Contract*. Tehran: Iran's National University Press.
50. Katouzian, N. (1995). *Civil Law: General Theory of Obligations*. Tehran: Nashr-e Yalda.
51. Katouzian, N. (2022). *Introductory Course in Civil Law: Lessons from Nominate Contracts*. Vol. 2, 35th ed. Tehran: Ganj-e Danesh.
52. Shahidi, M. (1989). *Soghoot-e Taahodat [Termination of Obligations]*. 1st ed. Tehran: Shahid Beheshti University Press.
53. Soltani, M. (2011). *Banking Law*. Tehran: Nashr-e Mizan.

B) Articles

54. Arian, M. (2021). "The Effect of Fraud on the Rights of Assignee of Proceeds Generated from Letter of Credit in the Iranian Legal System: Review and Analysis of a Judicial Case from Perspective of Comparative Law", *The Judiciary's Law Journal*, 85(114), 1-26. Doi: [10.22106/jlj.2021.127625.3414](https://doi.org/10.22106/jlj.2021.127625.3414).
55. Fasihzadeh, A., Hosseini Khatoonabadi, S. N. and Fasihzadeh, M. (2021). "A Contrastive Study of Cession of Claim and Novation by Substitution of Creditor in Iranian Legal System", *Journal of Legal Research*, 20(47), 195-217. Doi: 10.48300/jlr.2021.140168.
56. Hosseini, S. M. and Eskini, R. (2014). "The Legal Nature of Transfer of Credit in the Uniform Customs and Practice for Documentary Credits (UCP) Regulations", *Comparative Law Researches*, 18(2), 49-70.
57. Khoeini, G., Ghorbanian, H. and Pilavari Sattari, A. (2013). "The Investigation of Assignment of Proceeds in Letters of Credit (UCP500, UCP600, ISP98, URDG758, UCC) and The United Nations Convention on Independent Guarantees and Standby Letter of Credits", *International Law Review*, 30(48), 151-182. Doi:10.22066/cilamag.2013.16349.
58. Masoudi A. R. (2021). "A Critique on Article the Effect of Fraud on the Rights

- of Assignee of Proceeds Generated from Letter of Credit in the Iranian Legal System: Review and Analysis of a Judicial Case from Perspective of Comparative Law”, *Banking Law Journal*, 8-9(18-19), 89-99.
59. Mirza Nejad Jouybari, A. (2014). Transfer of Debt and its Effects. *Raay Journal*, 3(9), 79-87.
60. Mobayen, H. and Amirhosseini, A. (2015). “Legal and Religious Jurisprudence Study of the Nature of the Commercial Paper Discount with an Emphasis on Banking Regulations”, *Encyclopedia of Economic Law Journal*, 22(7), 94-127. Doi: 10.22067/le.v22i7.48433.
61. Momeni, K. (2022). “Analysis of Drawing Contract's Decrees with a Critical View to the Civil Law”, *Journal of Legal Studies*, 14(2), 343-372. Doi: 10.22099/jls.2022.34502.3552.
62. Saaei, M. H. (2008). “The State of Guarantees after the Transfer of Claim or Transfer of Debt”, *Journal of Islamic Law Research*, 8(2), 151-186. Doi: 10.30497/law.2012.1280.
63. Salehi Mazandarani, M. and Bayat, F. (2014). “Analysis of Legal Nature of Transfer of Credit Through Banking System”, *Private Law Research*, 2(5), 33-61.
64. Shahbazinia, M. and Ounagh, S. (2013). “Analyzing the Legal Nature and the Legitimacy of Discounting of Commercial Instruments based on their Single and Combined Nature in Islamic Jurisprudence (Figh) and Legal Opinions”, *Comparative Law Researches*, 17(1), 99-120.